

# سیمای علی (ع) به روایت شاهنامه فردوسی

سجاد آیدنلو

مردمان شاهنامه خوان است. بررسی دقیق و تحلیلی هر دو دسته از روایات مردم ساخته درباره کسان و داستان‌های شاهنامه، نتایج قابل توجهی در حوزه‌های گوناگون به دست می‌دهد. همانطور که می‌دانیم یکی از مهمترین موضوعاتی که با نمودهای متعدد در ادبیات عامیانه هر قوم و کشوری بازتاب می‌یابد، جلوه‌های اعتقادی و دینی مردم آن سرزمین است، حال این ویژگی کلی به جستار در پرداخت‌های عامیانه و شفاهی داستان‌های حماسه ملی ایران می‌پردازیم که چونان شاخه بستری از درخت کهنسال ادب مردمی به یادگار مانده است. موضوع تأمل در این نوشتار، بررسی «چگونگی نفوذ و ورود حضرت علی (ع) در این داستان‌ها» است که باختصار و امی‌کاویم. نقل است که پهلوانان و مهتران شاهنامه از نظر زمانی مربوط به روزگاران پیش از اسلام‌اند.

و در داستان‌های عامیانه به حضرت علی (ع) توسل می‌جویند و همچون شیعیان به هنگام گرفتاری‌ها نام آن امام همام را با ذکر رسا و گره‌گشای «یا علی» بر زبان می‌رانند یا گفته می‌شود پهلوان پهلوانان ایران، رستم‌دستان، در زور آزمایی با آن حضرت دیده می‌شود. بیان این وقایع، نشان دهنده باور داشت‌های مذهبی مردم ایران در این داستان‌هاست. وارد شدن حضرت علی (ع) در روایت‌های مردمی از یک دیدگاه با خود شاهنامه

یکی از زمینه‌های مورد عنایت در ادب مردمی که می‌تواند عرصه تاخت و تاز تخییل و داستان‌پردازی و سخن‌سازی عامه مردم قرار بگیرد، آثار و شخصیت‌های برجسته، محبوب و نامور در میان طبقات مختلف یک جامعه است. با این وصف از کتابی که پس از قرآن در طول ده سده، پرنفوذترین و اثرگذارترین شاهکار ماندگار در فرهنگ و ادب رسمی و عامیانه مردم ایران زمین بوده است انتظار می‌رود که خود، موضوع دخل و تصرف‌های از روی شوق مردمان واقع شود و هرکسی بر حسب فکر و همت خویش از شاهنامه فردوسی بهره برده باز پرداخت مردمی داستان‌های شاهنامه بر دو نوع است: ۱- داستان‌هایی که اساس شاهنامه‌ای دارد اما در بازگویی مردمی با زوائد و اضافاتی همراه شده است. ۲- روایاتی که در شاهنامه و حتی دیگر منظومه‌های حماسه گونه ادب پارسی وجود ندارد و مضمون آنها کاملاً ساخته ذهن

قابل مقایسه است و آن این که: در بخش‌هایی از شاهنامه، به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از عقاید و آداب اسلامی بی‌گمان ناشی از اثرگذاری ناخودآگاه انگاره‌های دینی عصر بر منابع این شاهکار ادبیات فارسی است.<sup>(۱)</sup> یا در داستان‌های پیش از ظهور زرتشت، در روزگار شهریاری گشتاسپ، طبق روند تاریخی نامه باستان، اصطلاحات مربوط به دین زرتشت (مانند: زند و اوستا و سروش یافت می‌شود که نزدیک به بقین از تأثیرات -خدای نامه- پهلوی بر شاهنامه ابومنصوری است و این بیانگر آن است که باورهای دینی دوره ساسانی بدون توجه به زمان و مکان، روایات از سوی مؤبدان و گردآورندگان (خوتای نامگ) در آن داخل شده است. پس از این قیاس نتیجه می‌گیریم که همواره برجسته‌ترین نمادها، شخصیت‌ها و... دینی- اعتقادی به زندگی آدمیان اثر می‌گذارد و به صورت گوناگون بروز می‌کند. در واقع انسان به اقتضای فطرت کمال طلب و روح و خردپویا و فرازجوی خویش دوست دارد که کسان و چیزهای آرمانی وی در یک جا و کنار هم گرد آیند. اما به خاطر دست نیافتن بدان آرزو، بالاجبار با بهره‌گیری از نیروی تخیل و اندیشه بلند پروازانه خود در جهان اسطوره و افسانه و داستان و قصه این نیازها و علایق را جمع می‌کند.

از این روی در ایران پس از اسلام، حضرت علی (ع) به عنوان یکی از بزرگترین شخصیت‌های اسلام- به ویژه مذهب تشیع- که سوای از هاله تقدس، عصمت و معنویت جنبه مردانگی و شجاعت آن رادمرد تاریخ در جدال با پهلوانان فضای حماسی ایجاد کرده که در بیان شفاعی داستان‌های شاهنامه تأثیر گذارده است. اما ناگفته نماند که سند متقن و استواری در این باب در دست نیست با واری در منابع مکتوب موجود از جمله در کهن‌ترین کتاب- بعضی مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض- معروف به (نقض) تألیف قزوینی رازی (قرن ششم) داستان‌گویی نقالان و حماسه‌خوانان مذهبی (فضائلیان و مناقب‌خوانان) سخن رفته که در این میان روایات دلاوری‌های حضرت علی (ع) را بازگویی می‌کردند.

زمان اوج این حماسه‌سرایی قومی در دوران عصر صفوی است که تشیع به عنوان مذهب رسمی مورد حمایت حاکمان وقت ایران قرار می‌گیرد و نقالی و شاهنامه‌خوانی گسترش می‌یابد.

پیش از پرداختن به نقش و سیمای حضرت علی (ع) در روایت‌های عامیانه شاهنامه و فردوسی، ذکر این نکته، خالی از فایده نیست که جلوه‌گری احساسات مذهبی مردم در ادبیات

## \* و در داستان‌های عامیانه به

### حضرت علی (ع) توسل می‌جویند

### و همچون شیعیان به هنگام

### گرفتاری‌ها نام آن امام همام را با

### ذکر رسا و کره‌گشای «یاعلی» بر

### زبان می‌رانند

عامیانه ایران محدود به ورود امام علی (ع) در داستان‌ها نیست بلکه امام زمان (ع) نیز در عرصه شفاهی شاهنامه و پهلوانانش حضور یافته‌اند، بدین صورت که نریمان و سام و زال و رستم و کیخسرو جزو نظرکردگان و یاران حضرت هستند. برای نمونه در یکی از این روایت‌ها می‌خوانیم: «می‌گویند رستم و رخس او در کف آن گودال (چاه شفاد) در خوابند و هر وقت حضرت حجت (ع) ظهور کند اولین سواری که در رکاب آن حضرت شمشیر خواهد زد، رستم‌دستان خواهد بود.»<sup>(۲)</sup> چنانکه پیشتر گفته شد یکی از تجلیات امیرمؤمنان (ع) در پرداخت مردمی داستانهای شاهنامه، مددخواهی شاهان ویلان نامه نامور از مولا علی (ع) در سخیهاست به طوری که شاهنامه‌خوانان نیز در نقل داستان‌های این اثر سترگ، از علی (ع) مدد می‌جویند. در زیر به مواردی از یادکرد نام علی بن ابیطالب (ع) را در داستان‌های شاهنامه نقل می‌کنیم:

۱- نبرد رستم و برزو: (این بار رستم کمر برزو را گرفت و علی را یاد کرد و او را به زمین کوفت.)<sup>(۳)</sup>

۲- در داستان بر ساخته گم شدن رستم در خاک پری زادن و جنگ او با اورنگ دیو: «رستم به مازندران حرکت کرد، دید قفل محکمی به در است گفت: «یا علی کمک» و فشاری به قفل داد که قفل

مثل پنیر در دست رستم نرم شد.» در نمونه‌های مشابه در شاهنامه، رستم از خداوند یاری می‌طلبد: رخس اندر آمد گوسنبرنر زره دامنش را بزد بر کمر یزدان جان آفرین زورخواست بر دست و آن سنگ برداشت راست<sup>(۴)</sup> (۱۰۸۵ و ۱۰۸۴/۷۱/۵)

۳- در داستان رستم و خاقان چین: «کیخسرو گفت: رستم چه باید کرد؟ رستم گفت: شهریار کیخسرو به سلامت باشد، به درخواست خدا و یاری علی (ع) همه آنها را می‌کشیم، رستم نامه‌ای نوشت اول به نام یزدان پاک، دوم به نام قهرمان خدا، علی (ع) و سوم به نام کیخسروشاه».

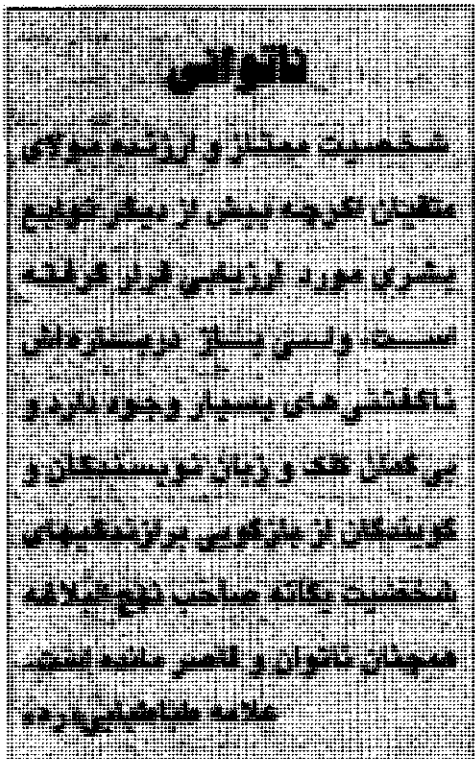
۴- نبرد رستم و مدد کوهزاد: «رستم نام علی را یاد کرد و از علی مدد خواست که یک مرتبه کک کوهزاد را از زمین بلند کرد.»

۵- در داستان رستم و اسفندیار: «رستم کاتب خود را پیش خواند و چنین نوشت: اول سلام به یزدان پاک، دوم سلام بر علی و دودمان علی (ع)»

۶- داستان بیژن و منیژه: «رستم دست برد و نام علی را یاد کرد و سنگ را از روی چاه کنار انداخت.»

۷- گشتاسپ در نزد شاه روم: «گشتاسب که منتظر چنین فرصتی بود و می‌خواست پهلوانی خود را به شاه روم نشان بدهد فوری حرکت کرد و با دیوگلاویز شد و علی را یاد کرد و دیو را به سردست بلند کرد.»<sup>(۵)</sup>

بیشترین نقش حضرت علی (ع) در روایت‌های عامیانه شاهنامه، بر خوردی است که بین امام و



پهلوان آرمانی ایران، رستم به وجود آمده است. دوتن از پژوهشگران در این باره می نویسند: «ایرانیان پس از اسلام ضمن شیفتگی به پیامبر (ص) و خاندان ایشان و بی زاری از ستم خلفای عباسی در صدد تجدید هویت ملی خویش برآمدند، از این روی ایرانیان به دنبال پیوند و الفتی میان هویت ملی با هویت مذهب تازه خویش برآمدند از جمله رستم را به عنوان سردار ملی و حضرت علی (ع) را به عنوان رهبر مذهبی خویش انتخاب و پیوندی میان آنان ایجاد کردند و قصه ها و افسانه هایی از رویارویی آنان شکل گرفت.»<sup>(۲)</sup> هم زمانی و رویارویی حضرت علی (ع) با رستم نمودار آمیزش باورها و نمادهای دینی و ملی ایرانیان مسلمان و مویده عشق پاک مردم ایران به مظاهر ملیت و مذهب خویش و تلاش برای ایجاد پیوند میان آنهاست.

مردم، رستم را به آیین اسلام و مذهب شیعه در آورده اند تا از منظری حماسی جهان پهلوان نامدار ایران مرید و پیرو امیرالمؤمنین (ع) باشد. در پایان روایت ازدهایی که رستم توان کشتن او را ندارد و به دست علی (ع) در کودکی کشته خواهد شد، آمده است: «رستم نالید و آرزو کرد که خدایا کاش من زمان آن حضرت را در می یافتم و غلام حلقه به گوش می شدم، این درخواست رستم قبول شد و حضرت را زیارت کرد و باز هم زنده و سالم خواهم ماند تا در رکاب اولاد علی هم شمشیر زند.»<sup>(۳)</sup> روایتی دیگر، حمایت حضرت علی (ع) از سلیمان در برابر رستم نیز می خوانیم: «من علی ولی خدا و جانشین پیغمبر آخرالزمان هستم که هزاران سال بعد به قدرت خداوند به دنیا خواهم آمد و الان به حکم خدا به کمک پیغمبرش حضرت سلیمان مأمور شده ام.»<sup>(۴)</sup>

اجتماع رستم و حضرت علی (ع) در یک جا فقط ساخته ذهن مردم عامی نیست، بلکه در شعر و ادب رسمی پارسی و در سخن آزاداندیش بلند روحی چون مولوی این دو شخصیت به صورت نمادین با هم آمده اند، حضرت به عنوان پهلوان بی مانند جهاد درون و کشنده ازدهای نفس و تهمتن چو نون سینه پند آورده گاه ناسازهای بیرونی و عینی و در نهایت هر دو در مقام نمونه کامل مردانگی و دلوری:

این جهاد اکبر است آن اصغر است  
هر دو کار رستم است و حیدر است<sup>(۵)</sup>  
زین هم رهان سست عناصر دلم گرفت  
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست<sup>(۶)</sup>  
در ادامه این مقاله، خلاصه هر یک از داستانهای ساختگی مردم درباره رستم و حضرت علی (ع) را در پی می آوریم:

۱- رستم در جستجوی حضرت است تا با او

می گیرند، پهلوان از آن پس کمر بسته می شود و در جنگی شکست نمی خورد.

۴- رستم پس از شکست در برابر حضرت، مسلمان می شود و به ایشان ایمان می آورد.

۵- حضرت علی (ع) درباره نیروی خویش از پیامبر (ص) می پرسند، ایشان نیز نشانیهای رستم را می دهند تا بعد از زور آزمایی، نیرومندترین آشکار شود. پس از جستجوی حضرت و آزمون پهلوانی امام به نیروی یزدانی پیروز می شوند ولی در نزد پیامبر (ص) دلاوری رستم را نیز می ستایند.

۶- رستم با ازدهایی روبرو می شود که تیرش بر او کارگر نیست، در عالم خواب پیرمردی بدو خبر می دهد که کشنده این ازدهای سترگ طفلی خواهد بود علی بن ابی طالب نام، رستم آرزو می کند که آن حضرت را ببیند، پس از آن در دنباله داستان رستم به اردوگاه حضرت سلیمان (ع) می رود و در آن جا پر خاش جویی می کند، سپس در نبرد با حضرت علی (ع) شکست می خورد و برای پوزش به درگاه سلیمان (ع) بازمی گردد.

۷- حضرت پس از شنیدن وصف رستم در جستجوی رستم برمی آیند و بعد از یافتن او هر دو با آزمون بیرون کشیدن نیزه فرورفته در زمین به زور آزمایی می پردازند که چون امام در حالت عادی نمی توانند نیزه رستم را بیرون بکشند، با خشم این کار را می کنند و بر اثر غضبناکی ایشان هزار جریب زمین ویران می شود.

۸- رستم از سوی پیامبر (ص)، به حضرت معرفی می شود، این دو در کوه الوند با هم دیدار می کنند و باز خشم شمشیر کوه را می شکافند، در این جا حضرت، رستم را می شناسند و تهمتن نیز مسلمان می شود.

۹- رستم نوجوان به دلیل این که حضرت سلیمان (ع) از زال باژوساوی می گیرد به نابودی او و سپاهش می شتابد<sup>(۷)</sup>، حضرت علی (ع) به فرمان خداوند سر راه را بر رستم می گیرند و او را در کشتی به آسمان چهارم پرتاب می کنند، رستم به یاری جبرئیل به زمین برگردانده می شود در حالی که مسلمان شده و ولایت علی (ع) را پذیرفته است.

۱۰- رستم پس از دعوت حضرت سلیمان به پذیرش پیامبری خویش به نابودی سپاه و بارگاه پیامبر می رود، حضرت علی (ع) به اذن خدا به یاری سلیمان (ع) می آیند و در کشتی رستم را مغلوب می کنند، رستم پس از شناختن حضرت شیعه می شود.

۱۱- حضرت علی (ع) در سیمای سلیمان (ع) رستم را به آسمان می اندازند و این باعث ترس تهمتن از سلیمان (ع) می شود.

۱۲- امام علی (ع) به عنوان حامی سلیمان (ع)

## \*مردم، رستم را به آیین

## اسلام و مذهب شیعه در

## آورده اند تا از منظری

## حماسی جهان پهلوان نامدار

## ایران مرید و پیرو

## امیرالمؤمنین (ع) باشد.

کشتی بگیرد، علی (ع) به صورت ناشناس با رستم روبرو می شوند و پس از به زمین افکندن رستم، خود را می شناسانند و رستم از ایشان پوزش می خواهد، در پایان این داستان، رستم که بر اثر زور بازوی حضرت به آسمان دوم پرتاب شده و سخت ترسان است از خدا می خواهد که مولا را به یاری او بفرستد در این جا از عالم وحی و غیب این دو بیت بر زبان رستم جاری و سبب نجات او می شود:

یسا علی یا علی مرا در یاب  
که فرو مانده ام در این گرداب  
من علی را خدا نمی دانم  
از خدا هم جدا نمی دانم<sup>(۸)</sup>

۲- رستم و حضرت همراه یکدیگرند و تهمتن با شکافتن کوه به نیروی تن، ستایش علی (ع) و شگفتی قنبر، غلام مولا، را برمی انگیزد و امام (ع) در پاسخ تعجب خدمتکار خویش می فرمایند که رستم یکی از پهلوانان ایران و از یاران آینده امام زمان (ع) است.

۳- رستم مغرور توسط حضرت که باز ناشناس هستند تا پیش فرشتگان پرتاب می شود و به سفارش آنها نام حضرت را تکرار می کند تا نجات یابد، بر پایه این روایت چون علی (ع) کمر بند رستم را

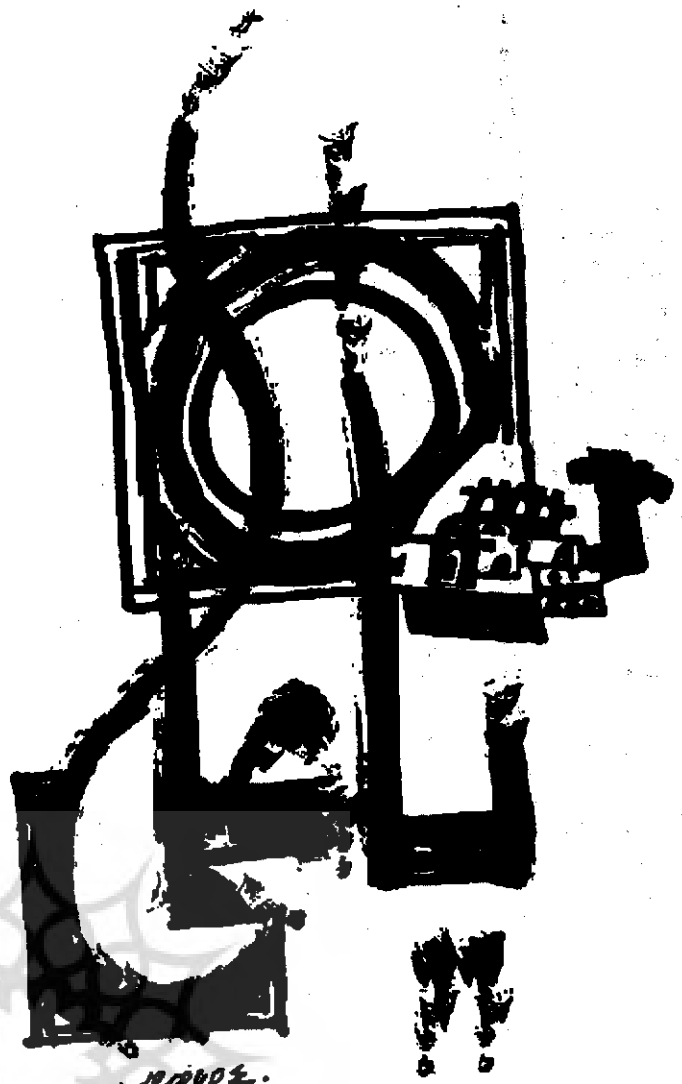
پهلوانی ایران، پس از شاهنامه است. البته در این باب سلیمان(ع) و روایات ملی و پهلوانی ایران، نباید آمیختگی شخصیت این پیامبر با جمشید، شهریار اساطیری، را از دیده دور داشت.

مطلب قابل توجه پیوند دو جانبه‌ای است که میان حضرت و رستم در این داستانها دیده می‌شود. می‌گویند در جنگ خیبر پیغمبر بزرگوار اسلام به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: یا علی، امروز جنگ رستمانه کردی. (۱۶) مثل زدن به دلیری و پیروزی «رستمانه» پیشینه‌ای به دیرینگی خود شاهنامه دارد و بی تردید از آن مأخذ بنیادین به ادب رسمی و مردمی ایران وارد شده است:

بزرگان جنگ‌آور از باستان  
زرستم زنند این زمان داستان  
(مسکو ۱۷۹/۲/۱۳۳)

همه شب نخفتند زان خرمی  
که پیروزی بودشان رستمی  
(مسکو ۱۱۸/۶/۷۶۹)

رابطه دو سویه بین رستم و حضرت علی(ع) یا (تأثیر و تأثر) کوششی است که سراینده‌گان به اصطلاح «حیدرنامه‌های» ادب پارسی در همانند کردن رزمگاه‌های امام با توصیف نبردهای رستم در شاهنامه داشته‌اند، برای مثال در منظومه «حملة حیدری» در روایت نبرد حضرت با عمرو بن عبدود، امام(ع) پیاده به آوردگاه می‌آیند که از سوی خریف نکوهش می‌شوند و مولی نیز پاسخ می‌گویند. در پایان کارزار نیز پس از کشته شدن عمرو، جبرئیل دست علی(ع) را می‌بوسد و ملک در فلک بر مولی آفرین می‌گوید (۱۷) صحنه‌های فوق



۱۳۱۰۰۰

می‌گیرند، سپس امام به رستم می‌فرمایند: «تا آخر عمر کسی نخواهد توانست پشت تو را به خاک برساند.» (۱۸)

۱۶- در طومارهای نقالی، روایت رستم و ازدها و حضرت علی(ع) به صورتی دیگر آمده است، در این جا رستم تنها از نام کشنده ازدها آگاه می‌شود و آرزو می‌کند که خدمتکار حضرت باشد و هرگز ایشان را نمی‌بیند. (۱۹)

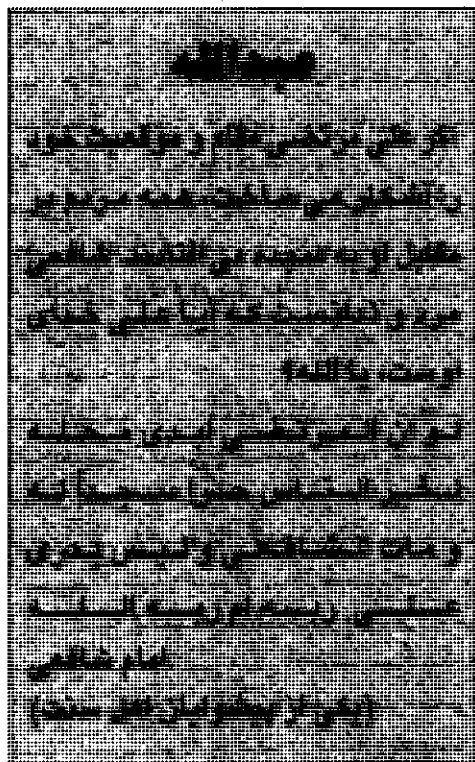
داستان‌های مردمی رستم و امام علی(ع) را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱- روایات رویارویی حضرت و رستم بدون وجود شخصیت محوری ۲- داستانهایی که حضرت سلیمان(ع) در آنها حضور دارد و حضرت علی(ع) در نقش پشتیبان وی در برابر رستم ظاهر می‌شوند. درباره این نوع از داستان‌ها باید گفت که ورود حضرت سلیمان(ع) در روایات پهلوانی رستم، گرچه با این تفصیل و ویژگی‌ها (مانند: نقش حضرت علی(ع) به عنوان مدافع پیامبر) برگرفته از تصورات عامه مردم است اما کلیت آن در ادب حماسی پارسی سابقه دارد. و در شهریارنامه عثمان مختاری روایت ناکاملی درباره حضور زال در دادگاه حضرت سلیمان(ع) و پاسخ به پرسشهای وی آمده (۲۰) که یکی از مهمترین نمونه‌های نفوذ عناصر سامی در ادب

در برابر رستم که در اندیشه ویران کردن بارگاه اوست، پهلوان را در کشتی تا پیش فرشتگان پرتاب می‌کنند و پس از بازگشت رستم و بیان عبارت: «علی الامان توبه الامان الامان» و افتادن به پای ایشان، حضرت رستمی به نشان مسلمانی به کمر رستم می‌بندند و تهمتن کمر بسته مولا می‌شود.

۱۳- رستم پیش از رسیدن به بارگاه سلیمان(ع) بدون شناخت با حضرت کشتی می‌گیرد و علی(ع) او را تا آسمان نخست پرتاب می‌کنند، رستم پس از امان خواهی به وسیله ذکری که فرشتگان بدو آموخته‌اند: «منم رستم آن پهلون جهان علی الامان الامان الامان» مسلمان می‌شود و صد سوار همراه او نیز اسلام می‌آورند، امام علی(ع) که رستم را می‌بندند و از آن پس نیروی تهمتن چندان فزونی می‌گیرد که پایش تا زانو در زمین فرو می‌رود.

۱۴- حضرت چونان مدافع سلیمان نبی(ع) رستم را مغلوب و مسلمان می‌کنند.

۱۵- هنگامی که رستم برای آوردن درمان بیماری کاووس رهسپار یمن و یافتن حضرت سلمان است، (۲۱) مرد نقابدار کوتاه بالایی سر راه را بر او می‌گیرند و پهلوان را به آسمان می‌اندازند. رستم به کمک ندای غیبی، جمله: «یا علی مرا دریاب» را بر زبان می‌راند و حضرت او را



و مضمون زیر تأثیر داستان رستم و اشکبوس در شاهنامه ساخته شده است. یکی دیگر از جلوه‌های نفوذ حضرت علی (ع) در شاهنامه مردمی، بیتهایی است که درباره امام ساخته شده و به نام فردوسی در متن برخی نسخه‌ها و چاپهای شاهنامه آمده است. بارویکرد به این که یکی از علل الحاق ابیات به شاهنامه، احساسات و خواسته‌های کاتبان و خوانندگان آن و انس عمیق مردم با حماسه ملی ایران بوده است که خوبش را در آن و با سراینده‌اش سهیم می‌دانسته‌اند، بیتهای افزوده مربوط به امام علی (ع) را نیز می‌توان -پرداخت یا ویراست مردمی- شاهنامه خواند و به عنوان بازتاب عشق مردم مسلمان ایران به شخصیت مورد علاقه خود. در کتاب مورد علاقه آنها بررسی کرد، این بیتها در دو بخش از سروده‌های فردوسی افزوده شده است، دو بیت در دیباچه شاهنامه:

نباشد جز از بی پدر دشمنش  
که یزدان به آتش بسوزد تنش  
هر آن کس که در جانش بغض علی است  
از او زارتر در جهان زار کیست  
که در آنها عشق سرشار سراینده یا سراینندگان به مولی علی (ع) آشکارا گنجانده شده است. و چه بسا در کاربرد لفظ دشنام در مصراع نخست، بیت اول، الحاق کنندگان از عبارت: «لا ابا لکم» در بعضی از خطبه‌های موجود در نهج البلاغه حضرت بهره گرفته‌اند.<sup>(۱۹)</sup> اما بخش دوم و مهمترین جای این نوع تصرف مردمی، هجوتامه معروف فردوسی است. این که استاد توس اصلاً هجوتامه‌ای سروده بود، مورد پذیرش صاحب نظران است<sup>(۲۰)</sup> ولی ۱۶۰ بیتی که بعدها به این نام در شاهنامه‌ها داخل شده، بی‌گمان بیان گر عواطف و خواسته‌های همان مردم شاهنامه‌خوان است که با شنیدن افسانه‌های محمود و فردوسی بر این باور بوده‌اند که استاد توس باید چنین نکوهش نامه‌ای می‌سرود، در این میان با توجه به زمینه احساسی بیتها، ستایش حضرت علی (ع) نیز توسط گویندگان شیعی علاقه‌مند از زبان فردوسی نظم شده<sup>(۲۱)</sup> که مایه اصلی آنها همان مبدای پرشکوه و اصیل فردوسی در شاهنامه است:

مرا غمز کردند کان پر سخن  
به مهر نبی و علی شد کهن  
هم آن کس که در دلش کین علی است  
از او زارتر در جهان گو که کیست  
منم بنده هر دو تار ستخیز  
اگر شه کنند پیکرم ریز ریز  
من از مهر این هر دو شه نگذرم  
اگر تیغ شه بگذرد بر سرم  
مرا سهم دادی که در پای پیل

تنت را بسایم چو دریای نیل  
نترسم که دارم ز روشن دلی  
به دل مهر جان نبی و هلی  
چو باشد ترا عقل و تدبیر و رای  
به نزد نبی و علی گیر جای  
چو بر تخت شاهی نشاند خدای  
نبی و علی را به دیگر سرای  
گراز مهرشان من حکایت کنم  
چو محمود را صد حمایت کنم  
جهان تا بود شهریاران بود  
پیامم بر تاجداران بود  
که فردوسی توسی پا که جفت  
نه این نامه بر نام محمود گفت  
به نام نبی و علی گفته‌ام  
گهرهای معنی نبی سفته‌ام  
آخرین نقش حضرت در قصه‌های عامیانه شاهنامه، ارتباطی است که بین هر دو پدید آمده است. در یک روایت، فردوسی برای ندیدن نابودی زبان و فرهنگ نیاکانی، خود را ناپیتامی کند و سر به بیابان می‌گذارد، در آن جا حضرت علی (ع) بر او ظاهر می‌شوند و با آب دهان خویش، دوباره فردوسی را بینا و او را به سرایش شاهنامه ملزم می‌کنند. مردم معتقدند که این امر سبب نظر کردگی استاد توس شد و آن وصفهای زنده و زیبای میدانهای نبرد شاهنامه نتیجه عنایت حضرت است<sup>(۲۲)</sup> در داستانی دیگر فردوسی بر اثر فشار محمود برای پایان نظم شاهنامه و نگرانی از ناتوانی احتمالی خود در این کار، به بیابان می‌رود و پس از عبادت و یاری خواستن از خداوند، می‌خواهد، در عالم رؤیا در عالم حضرت علی (ع) علم و حکمت الهی بدو می‌بخشند<sup>(۲۳)</sup> تشویق حضرت بر نظم شاهنامه و پایدگی فرهنگ ایران، و نظر کردگی دیدگان فردوسی، علت سرودن شاهنامه و هنر والای به کار رفته در آن را با امام علی (ع) پیوند می‌زند جالب است که موضوع پیوستگی ملیت و مذهب در این گونه قصص، پیش از همه در متن مستند خود شاهنامه دیده می‌شود و فردوسی در کنار شاه بیتهای جاویدانی مانند:

بر این زادم و هم بر این بگذرم  
چنان دان که خاک پی حیدرم  
(مسکو/۱۱۲/۳)

دریغ است ایران که ویران شود  
کنام پلنگان و شیران شود  
(مسکو/۱۳۸/۱۹۴)

در تحلیل نهایی نفوذ و سیمای علی (ع) مهر بازپرداخت مردمی داستانهای شاهنامه پس از بررسی روایات مکتوب، می‌توان به این نتیجه رسید

که دو ویژگی مهم از شخصیت حضرت مورد توجه سازندگان این قصه‌های پرشور و احساسمند بوده است: ۱- سیمای معنوی و ایزدی مولی به عنوان گشاینده دشواریها و مددکار دادخواهان ۲- جنبه شجاعت و پهلوانی حضرت که یکی از وجوه بارز شخصیت و زندگانی آن امام بزرگوار است و با بودن عبارات بسیار مشهوری چون: «لافتی الاعلی لاسیف الا ذوالفقار» در حق ایشان، اسطوره مذهبی پهلوانی و به همراه رستم الگویی برترین دلایر در باورهای مردم معتقد ایران شمرده می‌شوند.

### پی‌نوشت:

- ۱- رک: حمیدیان، سعید: درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، نشر مرکز، ۱۳۷۲، صص ۱۳۱-۱۳۳
- ۲- فردوسی نامه، همان، ج ۲، ص ۱۵۶، برای دیدن داستانهای دیگر، رک: فردوسی نامه، ج ۲، صص ۱۶۰ و ۲۰۹
- ۳- فردوسی نامه، همان، ج ۱، صص ۱۲۸، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۸۵، ۱۹۷ و ۲۰۷ و ۲۵۶
- ۴- شاهنامه بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، دفتر نشر داد، ۱۳۷۴
- ۵- فردوسی نامه، ج ۳، ص ۲۰۳
- ۶- رکیلیان، سیداحمد و صالحی، خسرو: حضرت علی (ع)، در قصه‌های عامیانه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰، حمل ۲۳۶
- ۷- فردوسی نامه، ج ۲، صص ۱۲۰، ۱۶۰ و ۱۶۱
- ۸- مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، نشر محمد، ۱۳۷۱، دفتر پنجم، بیت ۳۸۰۴
- ۹- کلیات شمس، تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۵
- ۱۰- فردوسی نامه، ج ۲، صص ۱۰۸-۱۲۷
- ۱۱- این مضمون با آغاز داستان الحاقی رستم و کک که مرزاد به شاهنامه همانندی دارد.
- ۱۲- اگر مراد از (سلمان) با توجه به واژه احترام و تعظیم (حضرت)، سلمان فارسی، صحابی معروف پیامبر (ص) باشد، باز شاهد نفوذ یکی دیگر از شخصیتهای مذهبی و اعتقادی در بیان مردمی روایات ملی هستیم که با روی آوردن به ایرانی بودن این شخص، موضوع اهمیت دو چندان می‌یابد.
- ۱۳- فردوسی نامه، ج ۳، صص ۷۲ و ۷۳
- ۱۴- رک: افشاری، مهران و مدائنی، مهدی: هفت لشکر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، صص ۴۴۳ و ۴۴۵
- ۱۶- رک: دیوان عثمان مختاری، به اهتمام استاد جلال‌الدین همایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱، صص ۸۲۰-۸۳۱
- ۱۶- فردوسی نامه، ج ۲، ص ۱۶۰
- ۱۷- رک: کلیات حمله حیدری، میرزا محمد رفیع باذل، انتشارات اسلام، چاپ ششم ۱۳۷۳، صص ۱۰۵ و ۱۰۶
- ۱۸- برای نمونه: «ولم آت لایا لکم بجرأ خطبه ۳۶ فی تخویف اهل النهروان»
- ۱۹- رک: ریاحی، محمدامین: سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، صص ۴۷ و ۴۸، خالقی مطلق، جلال: اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۷۴، ص ۷۴۹
- ۲۰- شاید بعضی از این بیتها جزو هجوتامه اصلی و از خود فردوسی باشد بویژه که دو بیت از آنها در چهار مقاله نظامی عروضی آمده است.
- ۲۱- فردوسی نامه، ج ۱، صص ۱۰-۱۲